



Critique of Social tendency of “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] *

AliAsghar Shoaei^۱

AliAkbar Frahi Bakhshayesh^۲

Abstract

“The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] is one of the latest Quranic researches in the West, entitled “The Study Quran” was published in ۲۰۱۵ in San Francisco, under the editorship of Dr. Seyyed Hossein Nasr. Given that this interpretation has been written in the Western world, it is important to critique it and pay attention to the interpretive method of this exegesis. Although the title of the translation of this commentary is “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran”; but this interpretation cannot be considered as a modern and up-to-date commentary on the Holy Quran. This research uses library resources [= desk research] and descriptively-analytically to examine the methodology of this interpretation. The results of the research indicate that this exegesis has used the traditionalist [= Perennial Philosophical] method to cite the quotations of the earlier commentators of the two major Islamic sects [of Shia and Sunni]. The most important characteristics of social interpretation of the Quran are: paying attention to the verses of the Quran to solve social problems, applying Quranic teachings and appropriate answers to eliminate the social doubts, paying attention to the pedagogical teachings of the Quran, using a clear and all-understandable expression, paying attention to rationalism, paying attention to authentic sciences in interpreting the verses of the Quran, refraining from interpreting the ambiguities [mubhamat] of the Quran, avoiding the wide range of theological, literary, jurisprudential debates and differences in recitations [qira'at], avoiding the forged narrations and Israelites; This exegesis has adhered to only three characteristics i.e. using a clear and all-understandable expression, avoiding the interpreting the ambiguities [mubhamat] of the Quran, and voiding the wide range of theological, literary, jurisprudential debates and differences in recitations [qira'at]. Hence, such an interpretation with a traditionalist [= Perennial Philosophical] approach, contrary to the title of “contemporary”, causes the neglecting of the Quran in the Western world and prevents the pedagogical, guiding, and social teachings of the Quran from the lovers of Quran in the Western world.

Keywords: Quran, Interpretation, Interpretive Method, Interpretive Tendencies, Social Interpretation, Contemporary Interpretation, Seyyed Hossein Nasr.

*. Date of receiving: ۵, April, ۲۰۲۱, Date of approval: ۲۵, June ۲۰۲۱.

^۱. Assistant Professor of Quranic studies and teachings university. shoaei@quran.ac.ir

^۲. Graduated of PhD of Comparative interpretation Al-Mustafa interpretation university (Corresponding

Author) aafb1358@yahoo.com



نقد گرایش اجتماعی تفسیر معاصرانه قرآن کریم^۱

علی اصغر شعاعی^۲ - علی اکبر فراهی بخشایش^۳

چکیده

«تفسیر معاصرانه قرآن کریم»، یکی از جدیدترین تحقیقات قرآنی در غرب است که با عنوان «The study of Quran» در سال ۲۰۱۵ در سان فرانسیسکو، با سرویراستاری دکتر سید حسین نصر به چاپ رسید. با توجه به اینکه این تفسیر در جهان غرب نگارش یافته است، ضرورت نقد و بررسی آن و توجه به روش تفسیری مورد استفاده در این تفسیر حائز اهمیت است. با اینکه عنوان ترجمه این تفسیر، «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» است؛ اما نمی توان این تفسیر را تفسیری عصری و روزآمد از قرآن کریم دانست. این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی روش شناسانه این تفسیر است. نتایج تحقیق نشان می دهد: این تفسیر با استفاده از روش سنت گرایانه به نقل قول های مفسران متقدم فریقین پرداخته است. مهمترین شاخصه های تفسیر اجتماعی قرآن که عبارت اند از: توجه به آیات قرآن درصدد حل مسائل اجتماعی، تطبیق آموزه های قرآنی و پاسخ درخور برای رفع شبهات اجتماعی، توجه به آموزه های تربیتی قرآن، استفاده از بیانی رسا و همه فهم، توجه به عقل گرایی، توجه به علوم قطعی در تفسیر آیات قرآن، پرهیز از پرداختن به تفسیر مبهمات قرآن، پرهیز از طرح گسترده بحث های کلامی، ادبی، فقهی و اختلاف قرائات، پرهیز از ورود روایات جعلی و اسرائیلیات؛ این تفسیر فقط به سه شاخصه: استفاده از بیانی رسا و همه فهم، پرهیز از پرداختن به تفسیر مبهمات قرآن و پرهیز از طرح گسترده بحث های کلامی، ادبی، فقهی و اختلاف قرائات پاینده بوده است. از این رو، چنین تفسیری با رویکرد سنت گرایانه برخلاف عنوان معاصرانه، باعث مهبوریت قرآن در جهان غرب شده و مانع از رسیدن آموزه های تربیتی، هدایتی و اجتماعی قرآن به گوش شیفتگان قرآن در جهان غرب می شود.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر، روش تفسیری، گرایش های تفسیری، تفسیر اجتماعی، تفسیر معاصرانه، سید حسین نصر.

^۱ - تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۶؛ تاریخ تایید مقاله: ۱۴۰۰/۴/۴.

^۲ - استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - shaoei@quran.ac.ir

^۳ - دانش آموخته دکتری رشته تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): aafb1۳۵۸@yahoo.com

مقدمه

تفسیر قرآن کریم از قرن دوم هجری به عنوان یکی از علوم اسلامی در جهت شرح و تبیین قرآن کریم تلاش کرده است. از ابتدای شروع این علم، روش‌ها و گرایش‌های متعدد و مختلفی بر اساس شرایط و نیازهای هر عصر و دورانی شکل گرفته است. اقسام مختلف تفسیر قرآن بر اساس رویکردهای مختلف و معیارهای خاصی شکل گرفته است. تفسیر قرآن از جهت شکل به تفسیر موضوعی و ترتیبی؛ از جهت منابع و مأخذ تفسیری به تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر عقلی و تفسیر روایی؛ از جهت معیار به تفسیر اجتهادی، تفسیر فقهی، تفسیر ادبی، تفسیر تربیتی، تفسیر کلامی، تفسیر عرفانی، تفسیر علمی و تفسیر رمزی تقسیم می‌شود. تفسیر اجتماعی قرآن گونه‌ای از تفسیر اجتهادی - علمی است که در عصر معاصر مورد توجه مفسران و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است.

مراد از گرایش در تفسیر، تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری عصری، سبک‌های پردازش تفسیر قرآن است که بر اساس عقاید، باورها، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد (رضایی اصفهانی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، ۱۳۸۲: ۴۲۰). تفسیر اجتماعی قرآن، شاخه‌ای از روش تفسیر اجتهادی - علمی است که درصدد کشف مراد الفاظ قرآن بر اساس نیازهای واقعی عصر حاضر است. مفسر در این روش در تلاش است، بین نظریه قرآن در زمینه مسائل اجتماعی با اهداف اجتماعی هماهنگی برقرار کند (ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ۱۴۱۴: ۵۳). این گرایش تفسیری در جنبه‌های مختلف مسائل اجتماعی مانند مسائل عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی به ارائه نظریه پرداخته و درصدد رفع مشکلات اجتماعی به شباهت‌های مختلف پاسخ دهد.

تفسیر اجتماعی در تلاش است، قرآن را به عنوان کتاب زندگی بشری معرفی کند و با آوردن محتوای قرآن به متن زندگی انسان، مشکلات اجتماعی بشری را رفع کند. از این رو، لازمه این امر، داشتن نگاهی مؤمنانه به قرآن و آموزه‌های آن است، نه نگاهی صرف علمی؛ چنانچه با مراجعه به چنین تفاسیری، ساده‌نویسی و استفاده نکردن از اصطلاحات علمی از خصوصیات این گرایش تفسیری بیان شده است (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۳۹۶: ۲/۵۴۹). تفسیر عصری تفسیری است که با اتخاذ روشی جدید در طرح مباحث جهان‌بینی و اعتقادی، باعث ایجاد تناسب میان اندیشه‌های مسلمانان معاصر با قرآن شده و درصدد پاسخ‌گویی نوین به مباحث است (شرقاوی، الفکر الدینی فی مواجهة العصر، ۱۹۷۹: ۴۳۲). خصوصیات این گونه از تفاسیر را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: پاسخگویی به شباهت‌ها



نیازهای فکری قرن حاضر؛ توجه به عقل و عقل‌گرایی در تفسیر؛ توجه به بُعد هدایتی و تربیتی؛ توجه به بُعد اجتماعی؛ حرکت جهادی؛ تأکید بر وحدت موضوعی قرآن کریم و تأکید بر وحدت موضوعی سوره‌های قرآن کریم (علوی مهر، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ۱۳۸۴: ۳۷۵).

تفسیری می‌توان معاصرانه باشد که در جهت پاسخگویی به مشکلات و معضلات اجتماعی زمان خود باشد. نحوه برخورد جهان‌بینی‌ها، تمدن‌ها، توسعه علوم و صنایع و ... در این گرایش تفسیری جا دارد. مفسر در این شیوه با روشی نوین مسائل موردنیاز جامعه را با استفاده از آیات قرآن کریم روشن کرده و به شبهات عصر خود پاسخ می‌دهد (همان: ۳۵۵).

«تفسیر معاصرانه قرآن کریم» که از جدیدترین تألیفات مستشرقان مسلمان به زبان انگلیسی است که مورد توجه قرآن‌پژوهان و استشرق‌پژوهان قرار گرفته است. این تفسیر زیر نظر دکتر «سید حسین نصر» و با همکاری جمعی از مستشرقان مسلمان به نگارش درآمده است.

هدف از نگارش این مقاله نقد و بررسی روش‌شناسانه تفسیر معاصرانه قرآن کریم بر اساس روش تفسیر اجتماعی قرآن کریم است. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای است. ادعای مقاله این است که جنبه اجتماعی قرآن که در دوران معاصر مورد توجه غالب مفسران قرآن است، در این تفسیر مورد غفلت قرار گرفته است و یکی از نقدهای جدی بر روش این تفسیر، خالی بودن آن از پرداختن به شیوه و روش اجتماعی در مطالعات قرآنی بوده است. از این رو، این اثر موجبات مهجوریت قرآن در جهان غرب را فراهم خواهد کرد. این اثر که با سرویراستاری جناب آقای دکتر سید حسین نصر به نگارش درآمده است، نیازمند بازنگری روشی و محتوایی در نگارش و ویرایش دوباره است.

پیشینه بحث

در زمینه نقد تفسیر معاصرانه قرآن کریم، اثری به عنوان مقاله، کتاب و پایان‌نامه به نگارش درنیامده است. علت این امر نیز جدید بودن موضوع فوق است. این تفسیر که در سال ۱۳۹۹ شمسی به زبان فارسی ترجمه شد، به تازگی مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته و در حال ارزیابی و آماده‌سازی مقالات و آثار هستند. البته لازم به ذکر است که نشست‌هایی توسط برخی از قرآن‌پژوهان کشور به صورت حضوری و مجازی صورت گرفته است که به نقد و بررسی این اثر پرداخته‌اند. به عنوان نمونه خبرگزاری حوزه در تاریخ هفدهم اسفند ۱۳۹۹ با تهیه گزارشی علمی با حضور دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

برگزار کرده است که ایشان به ذکر نکات مثبت و نقدهای وارده بر این تفسیر پرداخته است؛ همچنین خبرگزاری ایکن در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، با برگزاری نشست نقد و بررسی نخستین جلد کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن» که با سخنرانی سرویاستار این اثر، دکتر سید حسین نصر، استاد دانشگاه جرج واشنگتن؛ حجت الاسلام والمسلمین سید محمدعلی ایازی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛ حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی میرزایی، عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (علیه السلام)؛ غلامرضا ذکیانی، رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران و ان شاء الله رحمتی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مترجم این اثر، به صورت مجازی برگزار شد که قرآن پژوهان به نقد و بررسی این اثر پرداختند؛ همچنین در تاریخ سوم خرداد ۱۴۰۰ نشست نقد و بررسی کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم، با همکاری مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعة المصطفی در دانشکده الهیات دانشگاه قم برگزار شد. در این نشست دکتر سید رضا مؤدب، عضو هیئت علمی دانشگاه قم؛ دکتر محمدحسن زمانی، عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیه، دکتر عباسعلی براتی یزدی، عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیه و دکتر محمدکاظم شاکر، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی به نقد و بررسی تفسیر معاصرانه قرآن پرداختند. لازم به ذکر است تا به حال هیچ گونه نقد و بررسی بر روش شناسی تفسیر معاصرانه قرآن انجام نگرفته است. از این رو، مسئله مقاله حاضر فاقد پیشینه است.

الف. معرفی اجمالی تفسیر معاصرانه قرآن کریم

«تفسیر معاصرانه قرآن کریم» حاصل تلاش جمعی از محققان قرآنی است که زیر نظر دکتر سید حسین نصر به ارائه این اثر اقدام کرده اند. این کتاب ترجمه جلد اول از هفت مجلد «The study Quran» است که در سان فرانسیسکو توسط انتشارات «هارپر وان» در سال ۲۰۱۵ به چاپ رسید. نام اصلی آن «مطالعه قرآن» یا «قرآن شناخت» بوده و در ترجمه فارسی نام «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» را برای آن انتخاب کرده اند. جلد اول این کتاب با ترجمه ان شاء الله رحمتی و ویراستاری مصطفی ملکیان به زبان فارسی در ۷۵۰ صفحه توسط انتشارات سوفیا در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. این اثر شامل مقدمه ای از مترجم، سرویاستار و تفسیر سوره های حمد، بقره و آل عمران است. نگارش این کتاب با سفارش انتشارات «هارپر» سان فرانسیسکو - که اکنون به نام «هارپروان» خوانده می شود - به آقای دکتر سید حسین نصر از حدود ۹ سال پیش شروع شد (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۶۶/۱).

ب. معرفی نویسندگان تفسیر معاصرانه قرآن کریم



۱. سید حسین نصر

سید حسین نصر متولد ۱۹ فروردین ۱۳۱۲ ش در تهران زاده شد. پدرش سید ولی الله از طبیبان دربار سلطنتی بود که در تدوین قانون اساسی انقلاب مشروطه دخالت داشت. مادرش نیز از نوادگان شیخ فضل الله نوری بود (نصر، در جست و جوی امر قدسی، ۱۳۸۵ ش: ۱۱-۱۲). سید حسین تحصیلات ابتدایی را در تهران گذراند و از سال ۱۹۴۵ م تا ۱۹۵۰ یعنی از ۱۲ تا ۱۷ سالگی به مدرسه پدی در هایستون آمریکا رفت. او اولین دانشجوی ایرانی بود که در رشته فیزیک در مقطع کارشناسی ارشد بورسیه انستیتوی تکنولوژی ماساچوست شد (زیلان، شرح حال، احوال و آثار دکتر سید حسین نصر، ۱۵-۱۶). وی در سال ۱۹۵۶ در رشته زمین شناسی و ژئوفیزیک درجه فوق لیسانس را دریافت کرد. همچنین در همان سال توانست، در رشته تاریخ علم و معرفت از دانشگاه هاروارد مدرک دکتری خود را دریافت کند (همان: ۱۸). نصر پس از انقلاب اسلامی با مهاجرت به آمریکا، نخست در دانشگاه یوتا به عنوان استاد مهمان مشغول به تدریس شد. در ادامه به دانشگاه تمپل رفت و به مدت پنج سال از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ به فعالیت علمی پرداخت. دکتر نصر از سال ۱۹۸۴ تا به حال استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جوزج واشنگتن شد. وی به عنوان فیلسوفی سنت گرا مدافع «حکمت جاویدان» شناخته می شود. دکتر نصر در «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» سمت سرویاستاری را داشته است.

۲. محمد رُستُم

محمد رُستُم (Mohammed Rustom) در سال ۱۹۸۰ در تورنتو کانادا، در خانواده ای مسلمان به دنیا آمد. در سال ۲۰۰۴ با مدرک لیسانس در رشته مطالعات اسلامی و فلسفه از دانشگاه تورنتو فارغ التحصیل شد. سپس در سال ۲۰۰۹ دکترای خود را در رشته فلسفه و ادبیات اسلامی از همان دانشگاه دریافت کرد. در همان سال همکاری در دانشگاه کارلتون به وی پیشنهاد شد که قبول کرد. رُستُم فلسفه اسلامی را نزد شخصیت های برجسته ای چون سید حسین نصر، تاد لائوسون، ویلیام چیتیک و مایکل مارمورا تلمذ کرده است (Shahriari; Rustom. "Neo-Orientalism and the Study of Islamic Philosophy: An Interview with Professor Mohammed Rustom", ۲۰۱۸: ۱۱۲). وی به عنوان کمک ویراستار در ویراستاری بخش های مختلف ترجمه و تفسیر معاصرانه قرآن همکاری داشته و تفسیر سوره های ۱۰، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۵ و ۲۰ قرآن کریم را در این مجموعه نوشته است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن

کریم، ۱۳۹۹: ۱/۳۳).

۳. جانر دگلی

جانر دگلی (Caner Dagli) در ایالات متحده آمریکا متولد شده است. وی با مدرک کارشناسی از دانشگاه کرنل فارغ التحصیل شد. در مطالعات خاور نزدیک، کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه جورج واشنگتن به پایان رساند. وی دکترای خود را در مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرینستون دریافت کرد. از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به عنوان استادیار در کالج روانوک در ویرجینیا خدمت کرد و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ مشاور امور بین ادیان در دادگاه سلطنتی هاشمی اردن بود (<https://en.wikipedia.org>). وی در ترجمه اولیه و نگارش در تفسیر سوره‌های ۲، ۳، ۸، ۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ در تفسیر معاصرانه قرآن همکاری داشته و به عنوان ویراستار بقیه ترجمه، نظارت بر ترجمه، صفحه‌آرایی و نظارت بر چاپ این کتاب را بر عهده داشته است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۳۳).

۴. ماریا مَسی دکاکه

ماریا مَسی دکاکه (Maria Massi Dakake) در سال ۱۹۹۰ با مدرک کارشناسی از دانشگاه کرنل فارغ التحصیل شد و به ترتیب در سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ کارشناسی ارشد و دکترای خود را در مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرینستون به پایان رساند. او مدیر برنامه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه جورج میسون و عضو مؤسس و مدیر موقت سابق (۲۰۱۵-۲۰۱۶) مرکز (Ali Vural Ak) برای مطالعات اسلامی جهانی است. (<https://en.wikipedia.org>). وی تفسیر و ترجمه اولیه سوره‌های ۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۷، ۶، ۵ را بر عهده داشته و در ویراستاری بقیه کتاب همکاری داشته است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۳۳).

۵. جوزف ئی. بی. لومبارد

جوزف ئی. بی. لومبارد (Joseph E. B. Lumbard) در واشنگتن دی سی متولد شد. کارشناسی ارشد مطالعات دینی را از دانشگاه جورج واشنگتن و دکترای خود در مطالعات اسلامی را از دانشگاه ییل دریافت کرد. لومبارد برای تکمیل مطالعات اسلامی خود، به آموزش قرآن، حدیث، تصوف و فلسفه اسلامی نزد اساتید سنتی در مراکش، مصر، یمن و ایران سفر کرد. وی پس از دریافت دکترای علوم اسلامی، کار تدریس خود را در دانشگاه آمریکایی قاهره (۲۰۰۲-۲۰۰۵) آغاز کرد (<https://en.wikipedia.org>). وی تفسیر سوره‌های ۱، ۲۹ الی ۱۱۴ و ترجمه سوره‌های ۱ الی ۱۳ و ۲۹ الی



۱۱۴ را در تفسیر معاصرانه قرآن کریم انجام داده و در ویراستاری بقیه ترجمه و تفسیر این اثر همکاری کرده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۳۳/۱).

ج. روش تفسیر معاصرانه قرآن کریم

راه‌های گوناگونی برای شناخت روش تفسیری هر مفسر وجود دارد. نخست با مراجعه به عنوان و اسم تفسیر می‌توان گرایش و روش تفسیری را تا حدودی تشخیص داد؛ مرحله دوم برای شناخت روش و گرایش استفاده‌شده در هر تفسیر، مقدمه ابتدایی است که به‌عنوان مبانی و کلیات بحث در ابتدای تفسیر بیان می‌شود؛ راهکار سوم، مطالب و محتوایی است که در تفسیر استفاده شده است.

۱. عنوان تفسیر

عنوان «تفسیر معاصرانه قرآن» که توسط مترجم این اثر، آقای دکتر ان‌شاءالله رحمتی انتخاب شده است، دلالت بر این دارد که این تفسیر به مباحث و رویکردهای اجتماعی و معاصر در زندگی انسان‌ها دلالت دارد؛ اما دکتر سید حسین نصر در نشست علمی که درباره «تفسیر روزآمد قرآن؛ ممکن یا ناممکن» برگزار شده است، چنین گفته است: «متأسفانه من هنوز این کتاب و مقدمه اثر را نخواندم و با اینکه چندین بار گفتم، برای من این کتاب را ارسال کنند، هنوز کسی نفرستاده است. به‌هرحال امیدوارم آقای رحمتی درباره ترجمه معاصرانه توضیح بدهند و یا در چاپ دوم آن را اصلاح کنند؛ چون من درباره این اثر احساس مسئولیت می‌کنم و اصرار دارم که معاصرانه با مدرن اشتباه نشود (<https://www.mehrnews.com> خبرگزاری مهر، ۱۴۰۰/۲/۱۹).

۲. مقدمه مترجم و ویراستار

بخشی از استدلال معاصرانه بودن این تفسیر، مقدمه‌ای است که مترجم محترم، دکتر رحمتی در این باره نوشته است. در نگاه ابتدایی شاید این نقدها بر کتاب وارد نباشد؛ اما در حقیقت نقد ما به کتابی با عنوان «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» به زبان فارسی است که بخشی از این کتاب را مقدمه مترجم تشکیل می‌دهد. از این رو، لازم است که مطالبی که در عنوان، ساختار و محتوای این کتاب آمده است، نقد و بررسی شود. با نگاهی به پیشگفتار مترجم این کتاب متوجه می‌شویم که ایشان در تلاش است، معاصرانه بودن این تفسیر را با مدرن نبودن و سنت‌گرایی آن هماهنگ کند. با این حال این تفسیر را جوابگوی پرسش‌های انسان امروزی بر مبنای قرآن کریم، با کمک منابع روایی و تفسیرهای کلاسیک می‌داند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۷-۲۸).

مترجم در بخش دیگری از مقدمه خود، به تمایز معاصرانگی و مدرنیسم معتقد بوده و می‌گوید: «در تفسیری که در دوران ما بر قرآن نوشته می‌شود، البته باید اقتضانات این زمانه را در نظر گرفت. معمولاً زمانه ما را زمانه مدرن در نظر می‌گیرند و گمان می‌برند، هرچه با شرایط این زمانه مدرن سازگار نیفتد، از وجه معاصرانگی هم بی‌بهره خواهد بود و بنابراین برای انسان معاصر سخنی نخواهد داشت. تفسیری را که به اقتضانات دوران مدرن ملتزم نباشد، تفسیری مهجور و گذشته‌نگرانه می‌داند. گویی واژه «modern» به معنایی زیاد از حد تحت‌اللفظی در نظر گرفته شده است، چه این واژه مشتق از «modernus» لاتینی به معنای «درست اینک»، یا «کاملاً اکنونی» است؛ اما حقیقت این است که مدرن بودن عین معاصرانه بودن نیست. می‌توان معاصرانه اندیشید، ولی یکسره تسلیم تفکر مدرن در کلیت آن نبود.» (همان: ۱۶-۱۷).

وی در جای دیگری این‌گونه می‌گوید: به هر تقدیر امروزه نمی‌توان بدون عنایت به پدیده بسیار مهم مدرنیسم، فهم جامعی از اندیشه قرآنی و تأثیر آن بر زندگی مسلمانان و دیگر انسان‌ها داشت (همان: ۱۷).

سید حسین نصر نیز روش این تفسیر را این‌گونه بیان می‌کند: «تفسیر ما، درعین‌حال که بر تفاسیر سنتی مبتنی است، صرفاً مجموعه‌ای از گزیده‌های اقتباس‌شده از این کتاب‌ها نیست، بلکه خود اثر نوینی است. در متن خویش ناگزیر دست به انتخاب زده‌ایم، ... به‌علاوه در جاهایی، تفسیر خویش را نیز که لااقل به همین صورت، در منابع متقدم‌تر یافت نمی‌شود، آورده‌ایم. بدین ترتیب تفسیر ما، تفسیر نوینی است که درعین‌حال بر تفکر اسلامی سنتی و سنت‌های تفسیری متقدم‌تر مبتنی است (همان: ۷۳).

دکتر نصر، معتقد است: «قرآن کریم، چونان منبع بنیادین دین اسلام، شامل تعالیمی، از جمله تعالیم اقتصادی و سیاسی است که هم به فرد فرد مؤمنان تعلق دارد و هم به جامع اسلامی در کلیت آن. بسیاری از افراد واقف‌اند که قرآن به حیات دینی و همچنین به موضوعاتی نیز که هم به نجات فردی مربوط می‌شود و هم به نظم اجتماعی اهتمام دارد.» (همان: ۴۲).

تحلیل و بررسی

عنوان انگلیسی این تفسیر با عبارت «The study Quran»، در زبان فارسی با عبارت «قرآن‌شناخت» یا «مطالعه قرآن» ترجمه می‌شود. از این‌رو استفاده از واژه «معاصرانه» را نمی‌توان ترجمه تحت‌اللفظی و معادل این عبارت دانست. با توجه به اینکه این کتاب با عنوان «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» ترجمه



شده است، معانی متصور برای این عبارت را بررسی می‌کنیم:

نخست: تمرکز بر ذکر آراء مفسران معاص؛ به این معنا که آراء مفسران معاصر صدساله اخیر را بررسی و نقد کرده و ارائه دهد. این معنا از معاصرانه با ادعای دکتر سید حسین نصر که در مقدمه این تفسیر گفته است، همخوانی ندارد. با مراجعه به منابعی که در این تفسیر به کار رفته است، نمی‌توان چنین معنایی از تفسیر معاصرانه را قبول کرد. از حدود ۴۰ تفسیری که از منابع این تفسیر است، تنها دو تفسیر المیزان از شیعه و التحریر و التئور از اهل سنت به دوران معاصر مرتبط بوده و بقیه تفاسیر مورد استفاده از تفاسیر قرون اولیه و قرون میانی است (همان: ۹۱-۹۴).

دوم: تفسیر علمی قرآن؛ یعنی تلاش در فهم جدید از آیات با توجه به یافته‌هایی از علوم تجربی که به سبب گسترش و پیشرفت علوم جدید در غرب شکل گرفته است. در این نوع از تفسیر که با رویکردی معاصرانه انجام می‌گیرد، مفسر با نگاه مثبت به علوم تجربی و قطعی انگاشتن یافته‌های آنان، به سراغ تفسیر و برداشت‌های قرآنی آمده و درصدد تطبیق آیات قرآن با یافته‌های علمی می‌کند. تفسیر علمی قرآن به این معنا هم در تفسیر معاصرانه قرآن دیده نمی‌شود. نویسندگان این تفسیر، از این روش تفسیری هیچ‌گونه استفاده‌ای نکرده‌اند، از این‌رو نمی‌توان چنین معنایی از تفسیر معاصرانه را قبول کرد.

سوم: گرایش اجتماعی؛ استفاده از آموزه‌های آیات قرآن کریم در ارتباط با مسائل جدید و نیازهای نوپدید جامعه بشری و پاسخگویی به مشکلات انسان معاصر است. برداشت دیگری که از تفسیر معاصرانه قرآن می‌توان کرد، نواندیشی دینی در تبیین و تفسیر دیدگاه‌های قرآنی درباره تحولات دوران معاصر است. مفسر این گرایش تفسیری، با استفاده از اطلاعات خود درصدد پاسخ‌گویی به مشکلات و معضلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی زمان خود با استدلال به آیات قرآن است. در این گرایش تفسیری، مفسر در تلاش است با نقد روش‌های نادرست معرفت دینی، به برداشتی صحیح و به‌روز از آیات قرآن دست یافته و به نقد شبهات و اشکالات جامعه بپردازد. عصری بودن تفسیر برداشت جدیدی نیست، بلکه واقعیت انکارناپذیری است که از روزگاران پیشین مورد توجه بوده و همواره تفاسیر متناسب با تحولات علمی و فکری بشری نگاشته شده است (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۸۶: ۲/۴۵۵).

با دقت در محتوای تفسیر معاصرانه قرآن کریم و تلاش‌هایی که نویسندگان این تفسیر در تبیین و توضیح آیات الهی داده‌اند، چنین گرایشی در تفسیر ملاحظه نمی‌شود و دکتر نصر و همکارانش قدمی در این زمینه برنداشته‌اند. این تفسیر به هیچ پرسش جامعه اروپایی و آمریکایی پاسخ نمی‌دهد؛ عدم توجه به مباحث اجتماعی قرآن، بی‌توجهی به بُعد هدایتی و تربیتی قرآن نیز از خصوصیات این تفسیر

است. زمانی که این تفسیر تکثیر شده و در دانشگاه‌های اروپا تدریس شود، جامعه علمی و دانشگاهی به این نتیجه می‌رسند که قرآن کتاب سنتی قدیمی است و اصلاً به درد جامعه بشریت امروزی نمی‌خورد.

چهارم: تفسیر پیشینیان در قالبی نو؛ یکی دیگر از معانی تفسیر معاصرانه قرآن را می‌توان ارائه تفسیر متقدمان به شیوه‌ای جدید و سبکی نو و در قالب نگارش‌های جدید و با زبان و ادبیات متناسب روز است. مفسر این نوع روش تفسیری، در تلاش است با تغییر در ظاهر و صورت تفسیر، زبان تفاسیر کهن و متقدم را با ادبیات به‌روز و فرهنگ معاصر تطبیق داده و معارف کهن را با بیانی جدید بیان کند (ایازی، قرآن و تفسیر عصری، ۱۳۷۶: ۴۶-۴۷). شاید بتوان تفسیر معاصرانه قرآن کریم را نزدیک‌ترین معنا به چنین رویکردی از تفسیرنگاری تشبیه کرد. این تلقی از تفسیر معاصرانه قرآن، برداشتی سطحی و صوری از تفسیر است؛ با اینکه تغییر ادبیات و زبان اثر در قالبی نو و جدید، باعث آشنایی نسل جدید با تحقیقات قرآنی پیشینیان می‌شود؛ اما فقط با تغییر صوری، تفسیر به معنای واقعی، معاصرانه نشده و فقط قالب و پوسته تفسیر مربوط به دوران معاصر خواهد بود و محتوای آن مربوط به دوران پیشین است و در واقع چنین تفسیری را تفسیر عصری نمی‌نامند (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۳: ۲/۴۵۹).

د. ویژگی‌های مثبت و مزایای تفسیر معاصرانه قرآن کریم

پیش از پرداختن به نقدهای این کتاب، مهمترین مزایا و ویژگی‌های مثبت آن را در عناوین زیر ذکر می‌کنیم:

۱. داشتن انگیزه الهی دکتر نصر که برای خدمت به نشر معارف قرآن کریم است؛
۲. اولین تفسیر اسلامی - شیعی که در آمریکا و شاید در غرب ظهور پیدا کرده است؛
۳. مسلمان بودن تمام مؤلفان تفسیر؛
۴. آشنایی کامل این مفسران و دکتر نصر با نیازها و ذائقه فرهنگ غربی؛
۵. بهره‌گیری از فرصت نشر معارف قرآن که توسط مؤسسه انتشاراتی «هارپروان» ارائه شده است؛
۶. بهره‌گیری تفسیر از تعدادی از تفاسیر مفسران بزرگ پیشین اسلام؛
۷. داشتن مقدمه مناسب برای ورود به مباحث قرآنی؛
۸. دفاع از وحی‌انیت تام قرآن، اعم از الفاظ و محتوای قرآن کریم؛
۹. تصریح به جامعیت قرآن؛



۱۰. استفاده از شیوه‌ای نوین در چاپ تفسیر قرآن.

ه. شاخصه‌های گرایش اجتماعی در تفسیر

مهمترین راهکاری که به کمک آن می‌توان روش تفسیری هر مفسری را تشخیص داد، محتوایی است که در سرتاسر تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفسیر معاصرانه قرآن کریم، با وجود اینکه عنوان معاصرانه به خود گرفته است، روشی سنتی در ارائه مباحث به خود دارد و درصدد تفسیر روزآمد از آیات قرآن کریم نیست. داشتن نگاهی اجتماعی به قرآن، باعث می‌شود که آیات مربوط پیام‌های مختلفی در ابعادی مانند اخلاق، تربیت، سیاست، اقتصاد، مدیریت و ... به خود بگیرند. ممکن است، آیه‌ای از نظر یک مفسر دارای پیامی اجتماعی باشد؛ اما مفسری دیگر چنین برداشتی را نداشته باشد. از این رو شناخت تمامی آیات اجتماعی قرآن کار دشواری است.

گرایش اجتماعی یکی از گرایش‌های تفسیر قرآن است که اولین نوع از چنین گرایش تفسیری را می‌توان در «تفسیر المنار» عبده دید که زاینده نظریه بازگشت به قرآن سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. بعد از عبده، می‌توان به تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی اشاره کرد که با رویکرد اجتماعی به تفسیر آیات قرآن پرداخته است. بعد از ایشان نیز تفاسیر دیگری با رویکرد و گرایش اجتماعی شکل گرفت که باعث پررنگ شدن نقش قرآن در سطح علوم اجتماعی گردید، تفاسیری همچون؛ تفسیر مراغی، فی ظلال القرآن، محاسن التأویل، پرتوی از قرآن، نمونه، الکاشف، من وحی القرآن، نور، کوثر، تفسیر قرآن مهر و ...

خصوصیات و ویژگی‌های تفسیر اجتماعی قرآن که برای اولین بار مورد توجه ذهبی قرار گرفته و بعد از او آیت‌الله معرفت و اندیشمندان دیگر تفسیر و علوم قرآنی به ذکر خصوصیات این نوع از تفسیر پرداخته‌اند، از امور زیر تشکیل شده است (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۳۹۶: ۵۴۸/۲-۵۴۹؛ رضایی اصفهانی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، ۱۳۸۲: ۴۴۶-۴۴۷). برای پی بردن به میزان استفاده از این گرایش در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، شاخصه‌های مورد نظر نسبت به این تفسیر مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. توجه به آیات قرآن درصدد حل مسائل اجتماعی

یکی از شاخصه‌های تفسیر اجتماعی قرآن، حل مسائل متعدد اجتماعی با استفاده از گزاره‌های قرآنی است. مسائل متعدد اجتماعی در قرآن کریم مطرح شده است که قرآن پاسخ آن را در برخی از

آیات داده است. به عنوان نمونه به دیدگاه علامه طباطبایی (ره) درباره رابطه شفاعت و قوانین اجتماعی که برگرفته از آیه ۴۸ سوره مبارکه بقره است، اشاره می‌شود. علامه معتقد است: تبیین قوانین اجتماعی و ضرورت عمل به آن از لوازم جامعه انسانی است. کشیشان در مسیحیت با ترویج قانون شکنی به وسیله فدا شدن مسیح، موجبات کاهش قدرت دین را فراهم کردند. برخی از ناآگاهان نیز شفاعت را همان فدا شدن مسیح معنی کرده‌اند، در صورتی که مسئله شفاعت که نص قرآن و روایات متواتر بر آن دلالت دارد، به شرطی مورد پذیرش است که شفاعت شونده با ایمان مرضی و دین حق از دنیا برود. از این رو، قوانین اجتماعی اسلام هم جنبه‌های مادی و هم جنبه‌های معنوی اجتماع بشری را تأمین می‌کند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱: ۱۸۵-۱۸۷).

تفسیر معاصرانه قرآن، ذیل آیه مورد بحث و آیات مشابه، روشی سنتی اتخاذ کرده و از پرداختن به مسائل اجتماعی و حکومتی دوری کرده است. مباحث مطرح شده در این بخش از کتاب عبارت‌اند از: مفهوم شفاعت، متداول بودن شفاعت در جامعه سنتی عربستان، شفاعت موهبتی از جانب خداوند و معنای لغوی عدل (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/ ۱۷۴-۱۷۷).

به عنوان مثال در ذیل آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران، بحث‌های مفصل اجتماعی مطرح است که مفسرانی مانند علامه طباطبایی بحث‌های مهم و بنیادین اجتماعی را مطرح کرده‌اند، به عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: انسان و اجتماع، رشد انسان در اجتماع، منافع و مصالح اجتماعی انسان، توجه اسلام به مسائل اجتماعی، رابطه فرد و اجتماع در اسلام، هویت اجتماعی در اسلام، ضمانت بقا و اجرایی سنت‌های اجتماعی اسلامی، پاسخ به شبهات اجتماعی قرآن، صلاحیت اسلام برای هدایت اجتماعی انسان، تمدن یا توحش غربی، تکون اجتماع اسلامی، ضمانت اجرای قوانین اسلامی برخلاف قوانین غربی، آزادی در اسلام، راه تکامل و تحول در جامعه اسلامی، حرکت از نقص به کمال لازمه تحولات اجتماعی، سعادت جامعه اسلامی با احکام اسلامی، خصوصیات و روش رهبری جامعه اسلامی، تفاوت حکومت اسلامی و نظام‌های دیگر، عقاید و باورها تعیین‌کننده حد و مرز جامعه اسلامی، اجتماعی بودن شئون اسلامی و سرانجام جامعه اسلامی (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۹۲/۴-۱۳۲)؛ اما ذیل همین آیه در تفسیر معاصرانه قرآن کریم در حدود یک صفحه به بیان مختصر مباحث لفظی «صابروا»، «رابطوا»، «اصبروا» پرداخته و احادیثی را در شرح معنای رباط از طبری و قرطبی و ابن کثیر بیان می‌کند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/ ۶۸۸-۶۸۷).



با دقت در شیوه بحث از مسائل مختلف قرآنی در این تفسیر، توجه به آیات قرآن درصدد حل مسائل اجتماعی یافت نشد. این تفسیر در غالب موارد با بیان سنتی درصدد آشناسازی مخاطب با مفاهیم حداقلی قرآن در جامعه سنتی عربستان است.

۲. تطبیق آموزه‌های قرآنی و پاسخ درخور برای رفع شبهات اجتماعی

انسان در طول حیات فردی و اجتماعی خود با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که در موارد متعددی بشر از حل آن مشکلات ناتوان است. در اینجا است که دین و وحی درصدد رفع معضلات و مشکلات اجتماعی برآمده و انسان را از منجلاب گرفتار شده رهایی می‌بخشد.

حقوق، شخصیت و موقعیت اجتماعی زن در طول حیات بشر یکی از مهمترین دغدغه‌های جوامع امروزی است. علامه طباطبایی با اشاره به پیشینه حقوق زن در تاریخ قبل از اسلام و مقایسه مع الفارق آن با حقوق مطرح شده زن در قرآن کریم معتقد است: با اینکه اساس قوانین قرآن کریم بر مصالح و مفاسد بشری قرار داده شده است؛ اما مقایسه این امر نشان‌دهنده جایگاه والای زن در قرآن کریم است. زن در قرآن، انسانی دارای جایگاهی رفیع و هم‌ردیف با مرد در کسب کمالات است و ملاک برتری او تقوا و پاک‌دامنی است (حجرات/۱۳). در قرآن کریم هر فرد انسان مخلوقی شکل‌یافته از زن و مرد معرفی شده است و تمامی افراد بشر امثال یکدیگرند. در قرآن تلاش هیچ انسانی (مرد و زن) نزد خداوند متعال ضایع نخواهد شد (آل عمران/۱۹۵)؛ زیرا هر انسانی از یک نوع بوده و هیچ تفاوتی در اصل آفرینش و هستی ندارند. اسلام بین مرد و زن از لحاظ تدبیر امور اجتماعی و دخالت اراده و عمل آن دو در این تدبیر، تساوی و مساوات برقرار نموده است؛ زن همانند مرد به صورت مستقل می‌تواند در سرنوشت خود تصمیم بگیرد، در نتیجه مالک عمل خود بوده و دارای حق است (طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲: ۲۶۱-۲۷۱).

با مراجعه به تفسیر سوره مبارکه بقره آیه ۲۲۸، در تفاسیر مختلفی مانند میزان (طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲/۲۳۰-۴۲۱)؛ تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۵۳/۲-۱۶۵)؛ و تفسیر من وحی القرآن (فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۴/۲۸۱-۳۰۲)؛ به ذکر نکاتی همچون: حقوق و مالکیت زن، جایگاه والای زن در اجتماع و خانواده، حکمت نگه‌داشتن عده برای زن و ... پرداخته‌اند، برخلاف چنین تفاسیری، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، فقط درصدد تبیین مفردات الفاظ آیه و نهایتاً شرح آیات فقهی و نحوه جدایی زن و مرد توضیح داده است. در این تفسیر نقل‌قول‌هایی از مفسران متقدم است که مراد از حقوق زن، به معنی ضرر نرساندن به یکدیگر

است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/ ۴۰۴-۴۰۷).

با بررسی نمونه‌هایی از تطبیق آموزه‌های قرآنی با حل معضلات اجتماعی، به این نتیجه می‌رسیم: تفسیر معاصرانه قرآن کریم، چهره‌ای ابتدایی و ناچیز از احکام و حقوق زنان به جامعه غربی ارائه داده است، در صورتی که با مراجعه به تفاسیر معاصر، زنان در جامعه انسانی دارای جایگاهی والا و هم‌ردیف با مردان هستند.

۳. توجه به آموزه‌های تربیتی قرآن

یکی از خصوصیات و شاخصه‌های تفاسیر اجتماعی قرآن، داشتن نگاه تربیت‌محور بر آیات قرآن است. کتابی که برای تربیت و هدایت انسان نازل شده است (بقره/۱۸۵). در تفاسیر اجتماعی قرآن، هر آیه‌ای می‌تواند در صدد تربیت انسان قرار گیرد (ر.ک: رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ حسینی رامشه، سید سعید، بررسی تفاسیر تربیتی معاصر، مجله قرآن و علم، دوره ۱۳، شماره ۲۴، ۱۳۹۸). به‌عنوان مثال، آیه ۱۶۲ سوره آل‌عمران به روشی مؤثر در تربیت اشاره دارد: طرح سؤال و رسیدن به جواب به شنونده واگذار می‌شود که از آن به روش غیرمستقیم تعبیر می‌شود و اثر فوق‌العاده‌ای در تربیت انسان دارد. قرآن کریم در آیات متعددی (زمر/۹؛ انعام/۵۰؛ رعد/۱۶) برای رساندن مخاطبان خود به حقیقت از چنین روش مؤثری استفاده کرده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۵۷). استفاده از چنین روش و رویکردی در تفسیر قرآن و نگاه تربیت‌محور به آیات قرآن در تفسیر معاصرانه یافت نشد، به‌عنوان مثال در ذیل آیه مورد بحث فقط در حد ۳ سطر به مقایسه مؤمنان و کافران و نیکان و بدان اشاره شده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/ ۶۵۰).

تربیت انسان در قرآن یکی از مهمترین و در حقیقت اصلی‌ترین هدف نزول قرآن است که لازم است در تفاسیر قرآن، به‌خصوص در تفاسیر معاصر مورد توجه قرار بگیرد. غالب تفاسیر اجتماعی دوران معاصر به این رویکرد گرایش داشته و هر مفسری به اندازه خود در صدد کشف آثار تربیتی آیات قرآن پرداخته‌اند.

۴. استفاده از بیانی رسا و همه‌فهم

یکی دیگر از شاخصه‌های تفاسیر اجتماعی قرآن، استفاده از بیانی رسا و همه‌فهم از آیات قرآن و دوری از مغلق‌گویی در تفسیر قرآن است. فهم و تفهیم قرآن کریم از ضروری‌ترین اموری است که دانشمندان اسلامی از آغاز نزول این کتاب الهی در جهت رسیدن به آن تلاش کرده‌اند. شناخت جایگاه



آیات قرآن کریم، شأن نزول، فضای نزول، احکام و معارفی که آیات متعدد قرآن به آن اشاره دارد و صدها مورد دیگر که در تفسیر قرآن کریم مطرح است، باید با زبانی علمی و درعین حال ساده و همه فهم بیان گردد تا همه بتوانند از این سفره نعمت الهی متنعم شوند. البته در بسیاری از موارد که تبیین معارف عالی و ژرف قرآن در قالب کلمات ساده و کوتاه نمی‌گنجد و فهم آن معارف حتی برای خیلی از دانشمندان نیز سخت است، بسی مشکل و در برخی موارد محال است که بتوان آن مطلب را به مخاطب تفهیم کرد؛ اما در غالب موارد می‌توان با استفاده از روش مناسب و شیوه راحت و صحیح مطالب را به ذهن مخاطب انتقال داد.

مفسران تفاسیر اجتماعی در جهت گسترش پیام‌های قرآن در میان همه بشر به ساده‌نویسی، جاذبه‌آفرینی و آسان‌گویی تمایل دارند تا از این رهگذر مخاطبان بیشتری را به قرآن جلب کنند. توجه به چنین رویکردی در مقدمه بسیاری از تفاسیر اجتماعی مطرح شده است. شیخ محمد عبده در مقدمه تفسیر جزء عم می‌نویسد:

«در تفسیر این جزء از قرآن کوشیده‌ام تا از عبارت‌های ساده و قابل فهم استفاده کنم و از بیان وجوه گوناگون اعرابی بپرهیزم، به گونه‌ای که در هنگام خواندن یا شنیدن آن، فقط توانایی بر خواندن یا شنیدن برای خواننده و شنونده کافی باشد.» (عبده، تفسیر القرآن الکریم جزء عم، ۱۳۴۱ ق: ۲).

در تفاسیر دوران معاصر که غالباً با رویکرد و گرایش اجتماعی تدوین شده است، چنین سبکی در نگارش مشاهده می‌شود (ر.ک: مراغی، تفسیر المرآعی، بی تا: ۳/۱؛ مغنیه، الکاشف، ۱۴۲۴: ۱/۱۳). نمونه‌های عینی چنین رویکردی در تفاسیر معاصر مانند تفسیر المنار، تفسیر فی ظلال القرآن، تفسیر نمونه، تفسیر پرتوی از قرآن، تفسیر نور و تفسیر قرآن مهر به روشنی مشهود است.

تلاش نویسندگان تفسیر معاصرانه قرآن این بود که تفسیری نوین، با رویکردی سنت‌گرایانه تدوین کنند و از بکار بردن اصطلاحات متعدد اجتناب کرده و در کمترین حجم به شناساندن آیات الهی بپردازند؛ اما در پاره‌ای از موارد موفق نبوده و زبان اثر دارای اغلاق است؛ خصوصاً که نقل قول‌هایی که از تفاسیر دیگر شده است، بدون بررسی و نتیجه‌گیری همراه بوده و خواننده را در حیرت رها ساخته است. البته اگر انصاف را در نظر بگیریم، این تفسیر به زبان انگلیسی برای خوانندگان انگلیسی‌زبان، قابل فهم بوده و حتی برای فهم این تفسیر آشنایی با زبان عربی یا اصطلاحات قرآنی لازم نیست؛ زیرا در جاهایی که ضروری بود، آوانویسی اصطلاحات عربی انجام گرفته است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۷۷). از این رو، این تفسیر در برآورده کردن این معیار تا حدودی موفق بوده و توانسته

است، تفسیری ساده و همه‌فهم به انگلیسی‌زبانان ارائه دهد.

۵. توجه به عقل‌گرایی

عقل‌گرایی یکی از لوازم اصلاح است که مورد تأکید قرآن قرار گرفته و در اصلاح باورهای مسلمانان از این عنصر در موارد فراوانی استفاده شده است. قرآن کریم بر پایه عنصر عقل و تفکر بناشده و شالوده این کتاب آسمانی مخالف جهل و تقلید کورکورانه در اعتقادات است. این واژه با تمامی مشتقاتشان در قرآن کریم در آیات فراوانی استفاده شده است که نشان‌دهنده اهمیت عقل و تفکر و دوری از سطحی‌نگری در برداشت‌های قرآنی و اسلامی است.

رویکرد عقلانی در قرآن، به مبارزه با خرافات و سنت‌های غلط اجتماعی می‌رود و در مقابل عقاید و اندیشه‌های منحرف قد علم می‌کند. اسلام که دارنده پیام بزرگ اصلاح جهانی برای تمام بشریت است، بر عنصر عقل آزاد و منطقی راستین تأکید داشته و تمامی بشریت، حتی بت‌پرستان را به باور و عقیده صحیح که بر پایه‌های توحیدی استوار است، هدایت می‌کند (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۱۹: ۶۴/۱۵).

تبیین عقلی آیات قرآن کریم، رویکردی در تفسیر اجتماعی قرآن است که استفاده از عنصر عقل و خرد را در برداشت‌های قرآنی جایز می‌داند. به‌عنوان نمونه، تبیین عقلی فریضه امر به معروف، یکی از موارد استفاده از خرد انسان برای بیان علت تشریح احکام اسلامی است. در تفسیر نمونه آمده است: در اجتماع بشری، چیزی به نام «ضرر فردی» وجود نداشته، بلکه هر ضرر فردی ممکن است روزی به ضرر اجتماعی مبدل شود. از این رو، عقل و منطق انسان حکم می‌کند، برای جلوگیری از ناپاکی اجتماعی باید امر به معروف کرد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳/۳۷). علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در موارد متعددی از عقل و دلایل عقلی برای تبیین آیات قرآن استفاده کرده است (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱/۲۴؛ ۸/۴۴؛ ۱۵/۲۵۲؛ ۱۲/۱۱۶).

به نظر می‌رسد، تفسیر معاصرانه قرآن کریم به علت رویکرد سنت‌گرایانه‌ای که دارد، از تحلیل‌های عقلی کمتر استفاده کرده و فهم مخاطبان را بیشتر به تعریف اصطلاحات و نظرات مفسران متقدم معطوف کرده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۵۹۶-۵۹۸).

۶. توجه به علوم قطعی در تفسیر آیات قرآن

یکی دیگر از شاخصه‌های تفسیر اجتماعی قرآن، توجه به دانش‌های بشری و تفسیر میان‌رشته‌ای



قرآن بر اساس علوم انسانی یا تجربی قطعی بشری است. مفسران اجتماعی قرآن برای مقابله با شبهه ناسازگاری قرآن و علم که غالباً در بستر اندیشه مسیحیت رشد کرده است، به تفسیر آیات قرآن بر اساس یافته‌های قطعی بشری دست زده‌اند تا بدین وسیله تلقی ناصواب و نادرستی که از تعارض میان قرآن و علم وجود دارد، از بین برده و در مواردی نیز یافته‌های قرآنی را سازگار و هماهنگ با علوم قطعی نشان دهند (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۳۹۶: ۵۴۹/۲؛ رومی، منهاج المدرسة العقلية الحديثة فی التفسیر، ۱۴۱۷: ۲۶۰/۱-۲۸۴). اثبات اعجاز علمی قرآن نیز یکی دیگر از رویکردهای علم محور تفاسیر اجتماعی قرآن است که درصدد ایجاد هماهنگی قرآن با علم مطرح می‌شود (رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم، بی تا: ۲۱۰/۱؛ ۲۰/۱۲؛ ۱۹/۲؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، بی تا: ۳۸۷۸/۲؛ ۳۰۹۵/۵؛ ۲۰۴۵/۴؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۲۷/۸-۲۲۸؛ ۱۱۱/۱۰؛ ۳۹۹/۱۳).

نویسندگان تفسیر معاصرانه قرآن در روش تفسیری خود - که بر اساس روش سنت‌گرایانه است - هیچ‌گونه توجهی به علم و تفسیر گزاره‌های قرآنی به وسیله یافته‌های قطعی بشری نداشته و با استفاده از روش تفسیری علمای کهن، دیدگاه‌های علمای متقدم در دانش تفسیر را ملاک بررسی آیات مختلف قرآن قرار داده‌اند.

۷. پرهیز از پرداختن به تفسیر مبهمات قرآن

یکی از خصوصیات تفاسیر متقدم، پرداختن بیش از حد به ذکر نکاتی بود که تأثیر اندکی در شناخت حقیقت و معارف قرآنی داشت. «مبهمات قرآنی» از جمله دانش‌های علوم قرآنی است که در تفاسیر متقدم به بررسی واژگان و عبارت‌هایی می‌پردازد که به صورت مبهم در قرآن آمده‌اند. الفاظ مبهم این دانش عبارت‌اند از: موصول، ضمیر، اسم اشاره و تمامی الفاظی که به صورت نامعلوم به فرد یا چیزی اشاره دارد یا الفاظی که به کنایه به شخصیت‌هایی قبل از اسلام و یا زمان معاصر نزول اشاره دارد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۰ ق: ۱۰۸۹/۲-۱۱۱۱؛ خزائلی، اعلام قرآن، ۷۰۱-۷۲۶).

برخلاف تفاسیر متقدم، تفاسیر اجتماعی قرآن به سبب هدف هدایتی و تربیتی که در تفسیر قرآن دارند، از پرداختن به چنین معلوماتی پرهیز کردند. در اندیشه مفسران اجتماعی قرآن، ابهام گذاشتن برخی از گزاره‌های قرآنی دلیل بر بی‌اهمیتی آن و اولویت نداشتن در شناخت معانی آن است (شلتوت، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۰۸: ۵۷). از این رو، شناخت معارف قرآنی و کسب هدایت و تربیت قرآن، منوط به شرح و شناخت مبهمات قرآنی نیست.

تفسیر معاصرانه قرآن کریم نیز با توجه به اینکه بنای کار خود را بر ایجاد گذاشته است، از پرداختن

به مباحث کم‌اهمیتی مانند مبهمات قرآن پرهیز کرده است. از این رو، سبک تفسیر معاصرانه قرآن کریم در عدم پرداختن به مباحث کم‌اهمیت را می‌توان یکی از شاخصه‌های تفسیر اجتماعی قرآن دانست.

۸. پرهیز از طرح گسترده بحث‌های کلامی، ادبی، فقهی و اختلاف قرائات

از خصوصیات بارز تفاسیر کهن و متقدم، تفسیر بر اساس مکاتب مختلف کلامی، فقهی، ادبی و برجسته کردن اختلاف قرائات در تفسیر قرآن است. چنین تفاسیری با طرح مفصل مباحث مختلف در یک رشته خاص، تفسیر قرآن را بر اساس همان تخصص بررسی می‌کردند. برخلاف چنین رویکردی در تفسیر قرآن، گرایش اجتماعی به تفسیر قرآن به دلایل مختلفی از طرح مباحث مفصل علوم دیگر در قرآن پرهیز و اجتناب کرده‌اند. از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تفاوت هدف تفسیر اجتماعی قرآن - هدایت و تربیت - با تفاسیر متقدم در رشته خاص؛ به دست آوردن وحدت و جلوگیری از اختلاف‌های کلامی (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۹۳/۶)؛ جدا انگاری دانش تفسیر با دانش‌های فقه، ادبیات و کلام (مراعی، تفسیر المراعی، بی‌تا: ۱۱/۱-۱۲).

تفسیر معاصرانه قرآن کریم با اینکه رویکرد سنت‌گرایانه در تفسیر قرآن داشته و غالب نقل قول‌های این تفسیر از تفاسیر سنتی و کهن است؛ اما مانند بسیاری از تفاسیر اجتماعی، از پرداختن مفصل به مباحث فقهی، کلامی، ادبی و اختلاف قرائات در تفسیر خودداری کرده است. این تفسیر با شرح مختصر مباحث فقهی یا کلامی و تلخیص مباحث ادبی، از ورود بی‌رویه دانش‌های دیگر به صورت افراطی در تفسیر پرهیز کرده است (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/ ۴۰۵-۴۹۱).

۹. پرهیز از ورود روایات جعلی و اسرائیلیات

یکی از مهمترین نقدهایی که به برخی از تفاسیر کهن وارد است، استفاده بی‌رویه از روایات متعدد در تفسیر قرآن است که سبب ورود روایات جعلی و ضعیف به دانش تفسیر شده است. روایات اسرائیلیات، مطالب باطلی است که به صورت داستان‌های انبیاء و اخبار گذشتگان در منابع روایی و بعدها در منابع تفسیری وارد شده است که غالباً از مصادر یهودی و مسیحی سرچشمه گرفته است (ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث: ۱۴۱۱: ۱۳-۱۵؛ ابوشبهه، اسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر، ۱۴۰۸: ۱۲). تفاسیر متأخر شیعه و اهل سنت، کمتر تفسیری دیده می‌شود که بدون نقد و بررسی روایات جعلی و اسرائیلیات به نقل آن‌ها همت گمارد. غالب تفاسیر اجتماعی معاصر با نگاهی انتقادی به این روایات، نقش تخریبی این‌گونه روایات در تفسیر را گوشزد کرده‌اند (رشید رضا،



تفسیر قرآن الحکیم، بی تا: ۷/۱-۸).

تفسیر معاصرانه قرآن کریم به سبب روش سنت‌گرایانه‌ای که در نگارش تفسیر دارد؛ همچنین به علت استفاده از منابعی مانند تفسیر طبری که سرشار از روایات اسرائیلیات است، در خطر نقل روایات بدون نقد و بررسی این روایات است. به‌عنوان نمونه ذیل آیه ۱۵۴ سوره مبارکه بقره: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ﴾، آمده است: در حدیث پیرامون احوال مؤمن پس از مرگ آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، آمده است که ارواح شهیدان در چینه‌دان پرندگان سبز است که به هر جای بهشت که بخواهند، سیر می‌کنند، سپس در نورافکن‌های آویخته در زیر عرش مأوا می‌گیرند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۳۰۳/۱). با دقت در محتوای چنین احادیثی که غالباً درباره داستان‌های قرآنی است، امکان ورود روایات ضعیف و جعلی در این تفسیر وجود دارد. به نظر می‌رسد، ذکر روایات از منابع و مصادری که جنون نقل روایات دارند (رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم، بی تا: ۹/۳)، به صلاح دانش تفسیر نبوده و باعث ورود دوباره روایات اسرائیلیات به تفاسیر جدید و نوین قرآن است.

نتیجه

تفسیر معاصرانه قرآن کریم یکی از جدیدترین تحقیقات قرآن‌شناسانه غرب است که به ویراستاری دکتر سید حسین نصر و با همکاری گروهی از مستشرقان مسلمان؛ جانر دگلی، ماریا مسی دکاکه، جوزف نی. بی. لومبارد و محمد رُستُم به رشته تحریر درآمده است.

عنوان اصلی این تفسیر «The study Quran» است که توسط دکتر ان‌شاءالله رحمتی در سال ۱۳۹۹ با عنوان «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» ترجمه شد. این تفسیر به علت جایگاهی که در میان دانشگاهیان و قشر تحصیل‌کرده غرب دارد، نیازمند بررسی و تحلیل روش‌شناسانه است.

تفسیر معاصرانه و روزآمد به تفاسیری گفته می‌شود که یکی از خصوصیات زیر را داشته باشد: تمرکز بر ذکر آراء مفسران معاصر باشد، به این معنا که آراء مفسران معاصر صدساله اخیر را بررسی و نقد کند؛ دوم، بر اساس تفسیر علمی قرآن باشد؛ یعنی تلاش در فهم جدید از آیات با توجه به یافته‌هایی از علوم تجربی و انسانی که به سبب گسترش و پیشرفت علوم جدید در غرب شکل گرفته است؛ سوم، داشتن گرایش اجتماعی در تفسیر و استفاده از آموزه‌های آیات قرآن کریم در ارتباط با مسائل جدید و نیازهای نوپدید جامعه بشری و پاسخگویی به مشکلات انسان معاصر؛ چهارم، نگارش

تفسیر پیشینیان در قالبی نو و سبکی جدید و با زبان و ادبیات متناسب روز. تفسیر معاصرانه قرآن کریم سه خصوصیت اول را دارا نبوده؛ اما شرط چهارم را به‌عنوان یکی از شرایط تفسیر روزآمد دارد، البته این نوع تفاسیر را نمی‌توان در واقع تفسیر حقیقی معاصرانه دانست، چون محتوای آن مربوط به دوران معاصر نیست.

تفاسیر اجتماعی قرآن دارای شاخصه‌هایی هستند که با رعایت آن می‌توان روش آن تفسیر را رویکرد و گرایش اجتماعی دانست. مهم‌ترین شاخصه‌های تفسیر اجتماعی قرآن عبارت‌اند از: توجه به آیات قرآن در صدد حل مسائل اجتماعی، تطبیق آموزه‌های قرآنی و پاسخ درخور برای رفع شبهات اجتماعی، توجه به آموزه‌های تربیتی قرآن، استفاده از بیانی رسا و همه‌فهم، توجه به عقل‌گرایی، توجه به علوم قطعی در تفسیر آیات قرآن، پرهیز از پرداختن به تفسیر مبهمات قرآن، پرهیز از طرح گسترده بحث‌های کلامی، ادبی، فقهی و اختلاف قرائات، پرهیز از ورود روایات جعلی و اسرائیلیات.

تفسیر معاصرانه قرآن کریم با استفاده از روش سنت‌گرایانه در قرآن، تنها سه معیار از شاخصه‌های تفسیر اجتماعی را در خود دارد: استفاده از بیانی رسا و همه‌فهم، پرهیز از پرداختن به تفسیر مبهمات قرآن و پرهیز از طرح گسترده بحث‌های کلامی، ادبی، فقهی و اختلاف قرائات.

با توجه به روش نویسندگان تفسیر معاصرانه قرآن کریم که با روشی سنت‌گرایانه در صدد معرفی قرآن به جامعه غرب هستند، استفاده از چنین رویکردی در تفسیر قرآن کریم، باعث مهجوریت قرآن در جامعه جهانی شده و تعریفی که از حقیقت قرآن به جهان غرب می‌رسد، نگاهی متحجرانه و کهن از قرآن است. در صورتی که با داشتن نگاهی اجتماعی به قرآن، این کتاب الهی منشأ قوانین اجتماعی، هدایتی، تربیتی برای انسان در تمامی نسل‌ها و زمان‌هاست.



منابع

۱. ترجمه قرآن کریم، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، ترجمه و نشر المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابوشهبه، محمد بن محمد، اسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر، مكتبة السنة، قاهرة: ۱۴۰۸ ق.
۳. ایازی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۴۱۴ ق.
۴. — قرآن و تفسیر عصری، فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۶ ش.
۵. خزائلی، محمد، اعلام قرآن، امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۱.
۶. ذهبی، محمدحسین، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، مكتبة وهبه، قاهرة: ۱۴۱۱ ق.
۷. — التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثة، بیروت: الطبعة الثانية، ۱۳۹۶ ق.
۸. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دارالمعرفة، بیروت: الطبعة الثانية، بی تا.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، روش ها و گرایش های تفسیری قرآن، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۲.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ حسینی رامشه، سید سعید، بررسی تفاسیر تربیتی معاصر، مجله قرآن و علم، دوره ۱۳، شماره ۲۴، ۱۳۹۸.
۱۱. رومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، منهاج المدرسة العقلية الحدیثة فی التفسیر، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۱۲. زیلان، موريس، شرح حال، احوال و آثار دکتر سید حسین نصر، در: نصر، سید حسین، سنت عقلانی اسلامی در ایران، ترجمه: سعید دهفانی، قصیده سرا، تهران: ۱۳۸۳ ش.
۱۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، دار الشروق، القاهرة/ بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۱۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، دار ابن کثیر، دمشق: ۱۴۲۰ ق.
۱۵. شرقاوی، عفت، الفكر الديني فی مواجهة العصر (اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحديث)، دار العوده، بیروت: الطبعة الثالثة، ۱۹۷۹ م.

۱۶. شلتوت، محمود، تفسیر القرآن الکریم، دار الشروق، قاهره: ۱۴۰۸ ق.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۷ ق.
۱۸. عبده، محمد، تفسیر القرآن الکریم: جزء عم، الجمعية الخيرية الاسلامية، مصر: الطبعة الثالثة، ۱۳۴۱ هـ.
۱۹. علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۴.
۲۰. فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۲۱. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران: ۱۴۱۹ ق.
۲۲. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۲۳. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، انتشارات التمهید، قم: ۱۳۷۳ ش.
۲۴. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، دارالکتب الاسلامی، قم: ۱۴۲۴.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴.
۲۶. نصر، سید حسین، در جست و جوی امر قدسی؛ گفت و گوی رامین جهاننگلو با سید حسین نصر، ترجمه: سید مصطفی شهدآینی، نشر نی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. نصر، سید حسین، تفسیر معاصرانہ قرآن کریم، ترجمه: انشالله رحمتی، انتشارات سوفیا، تهران: ۱۳۹۹.



Resources:

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Center for Translation and Publication, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۹.
۲. Abduh, Muhammad, Tafsir al-Quran al-Karim: Juz Amma [The Exegesis of Holy Quran: ۳۰th Part], Al-Jam'iyyah al-Khairiyyah al-Islamiyyah, Egypt: ۲nd Edition, ۱۳۴۱.
۳. Abu Shubhah, Muhammad bin Muhammad, Israeliyat wa al-Mawdhoa't fi Kutub al-Tafsiri [Israelites and Forged Narrations in the Books of Exegesis], Maktabah al-Sunnah, Cairo: ۱۴۰۸ AH.
۴. Alavi Mehr, Hossein, Introduction to the History of the Exegesis and Interpreters, World Center for Islamic Sciences, Qom: ۲۰۰۰.
۵. Ayazi, Seyyed Muhammad Ali, Al-Mufasssiron; Hayatuhum wa Manhajuhum [The Interpreters; Their Biography and Method], Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: ۱۴۱۴ AH.
۶. _____, Quran and Modern Interpretation, Islamic Culture [Farhag Islami], Tehran: ۱۹۹۷.
۷. Dhahabi, Muhammad Hussein, Al- Israeliyat fi Tafsir wa al-Hadith [Israelites the Exegesis and Hadith], Maktabah Wahbah, Cairo: ۱۴۱۱ AH.
۸. _____, Al-Tafsir wa al-Mufasssiron [The Exegesis and Interpreters], Dar al-Kutub al-Hadithah, Beirut: ۲nd Edition, ۱۳۹۶ AH.
۹. Fadhlullah, Muhammad Hossein, Tafsir min Wahj al-Qurah [Interpretation of the Revelation of Quran], Dar al-Malak for Printing and Publications, Beirut: ۱۴۱۹ AH.
۱۰. Khaz'ili, Muhammad, A'lam -e- Quran [Index of Persons in Quran], Amirkabir, Tehran: ۱۹۹۲.
۱۱. Ma'refat, Muhammad Hadi, The Exegesis and Interpreters, Al-Tamhid Publications, Qom: ۱۹۹۴.
۱۲. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh [The Ideal Exegesis], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۰.

۱۳. Maraghi, Ahmad Mustafa, Tafsir al-Maraghi, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: N.p.
۱۴. Modarresi, Seyyed Muhammad Taqi, Min Huda al-Quran [From the Guidance of Quran], Dar Muhy al-Hossein, Tehran: ۱۴۱۹ AH.
۱۵. Mughniyya, Muhammad Jawad, Al-Tafsir al-Kashif [The Discovering Exegesis], Dar al-Kitab al-Islami, Qom: ۱۴۲۴ AH.
۱۶. Nasr, Sayyid Hussein, In Search of the Sacred; Ramin Jahanbegloo's Interview with Seyyed Hossein Nasr, Translated by Seyyed Mustafa Shaheedaieini, Ney Publishing, Tehran: ۲nd Edition, ۲۰۰۶.
۱۷. Nasr, Seyyed Hossein, The Contemporary Interpretation of the Holy Quran, Translated by Inshallah Rahmati, Sofia Publications, Tehran: ۲۰۲۰.
۱۸. Rashid Raza, Tafsir al-Quran al-Hakim al-Shaheer bi Tafsir al-Manar [The Exegesis of Holy Quran Famous by Tafsir al-Manar], Dar al-Ma'rifah, Beirut: ۲nd Edition, N.p.
۱۹. Rezaei Esfahani, Muhammad Ali, Rawishra wa Garaishhaye Tafsir Quran [The Methods and Trends of Quranic Interpretation], World Center for Islamic Studies, Qom: ۲۰۰۳.
۲۰. _____ & Hosseini Ramsheh, Seyyed Sa'eed, "A Study of Contemporary Pedagogical Interpretations", Journal of Quran and Science, Volume ۱۳, Number ۲۴, ۲۰۱۹.
۲۱. Rumi, Fahad bin Abd al-Rahman bin Suleiman, Minhaj al-Madrasah al-Aqliyyah al-Hadithah fi al-Tafsir [The Method of Modern Rational School of Thought in Exegesis], Muassasah al-Risalah, Beirut: ۱۴۰۷.
۲۲. Sayyid Qutb, Fi Zilal al-Quran [In the Shade of the Quran], Dar al-Shuruq, Cairo / Beirut: ۱۴۱۲ AH.
۲۳. Shahriari, Soroosh; Rustom, Mohammed. "Neo-Orientalism and the Study of Islamic Philosophy: An Interview with Professor Mohammed Rustom". Journal of Islamic and Muslim Studies. Indiana University Press, ۲۰۱۸.
۲۴. Shaltut, Mahmud, Tafsir al-Quran al-Karim [The Exegesis of Holy Quran], Dar al-Shuruq, Cairo: ۱۴۰۸ AH.



۲۵. Shaqavi, Iffat, *Al-Fikr al-Dini fi Muwajahah al-Asr (Ittijahat al-Tafsir fi Misr fi al-Asr al-Jadid)* [The Religious Thought Confronting the Time (Approaches of Interpretation in Egypt in the Modern Era)], Dar al-‘Awdah, Beirut: ۳rd Edition, ۱۹۷۹.
۲۶. Suyuti, Jalaluddin, *Al-Itqan fi Uloom al-Quran* [The Perfect Guide to the Sciences of the Quran], Dar Ibn Kathir Damascus, Beirut: ۱۴۲۱ AH.
۲۷. Tabatabai, Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran*, Daftar Intisharat Islami Jami’ah Modarrisin, Qom: ۱۴۱۷ AH.
۲۸. Zailan, Moris, *The Biography and Works of Dr. Seyyed Hossein Nasr*, in: Nasr, Seyyed Hossein, *Islamic Rational Tradition in Iran*, Translated by Saeed Dehqani, Qaseedah Sara, Tehran: ۲۰۰۴.
۲۹. <https://en.wikipedia.org>.
۳۰. <https://www.mehrnews.com>